



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



سَفِينَةُ الطُّلَّابِ



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

الْمُعْجَم: (۲۹ کلمه جدید)

زَا حَمَتْ + كَا

جمع مکسر أَبْحَاثُ:	پژوهش‌ها «مفرد: بَحْثُ»	زَا حَمْتُكَ:	شما را به زحمت انداختم
فعل ماضی اِحْتَرَقَ:	آتش گرفت (مضارع: يَحْتَرِقُ) آتش می گیرد	جمع مکسر شَبَابُ:	جوانان «مفرد: شَابٌ»، دوره جوانی
أداء:	به جا آوردن، انجام دادن	فعل ماضی صَرَخَ:	فریاد زد (مضارع: يَصْرُخُ) فریاد میزند
إِذْ:	آن گاه	فعل ماضی صَلَّى:	نماز خواند (مضارع: يُصَلِّي) نماز میخواند
فعل ماضی أَصَابَ:	برخورد کرد (مضارع: يُصِيبُ)	فعل ماضی عَصَفَ:	وزید (مضارع: يَعِصِفُ) می وزد
جمع مکسر أَفْرِقَةَ:	تیم‌ها، گروه‌ها «مفرد: فَرِيقٌ» تیم	فَرَجَ:	گشایش، رهایی از سختی
فعل ماضی اِنْكَسَرَ:	شکسته شد (مضارع: يَنْكَسِرُ) شکسته میشود	فعل ماضی فَقَدَ:	از دست داد (مضارع: يَفْقِدُ) از دست میدهد
فُجَاءَةً = بَغْتَةً:	ناگهان	مُحَاوَلَةٌ:	تلاش کردن
تَعَدَّلُ:	برابر است	فعل ماضی مَضَى:	گذشت (مضارع: يَمْضِي) می گذرد
تَقْتَرِبُ مِنَّا:	به ما نزدیک می شود	مَطَرٌ:	باران «جمع: أَمْطَارٌ» باران ها
جامِعَةٌ:	دانشگاه	مُواصَلَةٌ:	ادامه دادن
حَرْبٌ:	جنگ «حَرْبِيَّةٌ: جنگی» جمع مکسر میاه	مِيَاهُ:	آب‌ها «مفرد: مَاءٌ» آب
حَيَاكَ اللَّهُ:	زنده باشی	نَبَاتَاتٌ:	گیاهان «مفرد: نَبَاتٌ» گیاه
دُخَانٌ:	دود	فعل ماضی نَزَلَ:	پایین آمد (مضارع: يَنْزِلُ) پایین می آید
رياح:	بادها «مفرد: رِيحٌ»		

أَصْبِرْ مِفْتَاحَ الْفَرَجِ

صبر کلید گشایش است

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سِنَوَاتٍ بَعِيدَةٍ فِي أَحَدِ الْبِلَادِ.

این حکایت چهل سال قبل در کشوری اتفاق افتاده است

ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِبًا مِنْ طُلَّابِ الْجَامِعَةِ مَعَ أَسَاتِذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِتَهْيِئَةِ

دوازده دانشجوی از دانشجویان دانشگاه همراه با استادشان به گردش علمی

أَبْحَاثٍ عَنِ الْأَسْمَاكِ؛ كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِنَةً؛ فَجَاءَهُ ظَهْرٌ سَحَابٍ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ

برای تهیه پژوهش ها درباره ماهیها رفتند. آب های دریا آرام بود، ناگهان ابری در آسمان آشکار شد؛ سپس

عَصَفَتْ رِيَا حٌ شَدِيدَةٌ وَ صَارَ الْبَحْرُ مَوَاجًا. فَأَصَابَتْ سَفِينَتَهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛

باد هایی شدید وزیدند و دریا موج شد. پس کشتی شان به صخره برخورد کرد پس ترسیدند

السَّفِينَةَ انْكَسَرَتْ قَلِيلًا وَلَكِنَّمَا غَرِقَتْ؛ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرَحُوا

کشتی کمی شکسته شد ولی آن (کشتی) غرق نشد؛ هنگامی که به جزیره ای ناشناخته رسیدند

كثِيرًا وَ شَكَرُوا رَبَّهُمْ وَ نَزَلُوا فِيهَا؛ مَضَى يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَدًا فِي الْجَزِيرَةِ وَ مَا

بسیار خوشحال شدند و پروردگارشان را شکر کردند و در آن (جزیره) پیاده شدند دو روز گذشت کسی را در جزیره نیافتند

جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأُسْتَاذُ:

او کسی برای نجاتشان نیامد. استاد به آنها گفت

«يَا شَبَابُ، عَلَيْكُمْ بِالْمُحَاوَلَةِ. اِسْمَعُوا كَلَامِي وَ اَعْمَلُوا بِهِ كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ.

ای جوانان، شما باید تلاش کنید. سختم را بشنوید و به آن عمل کنید گویا اتفاقی نیوفتاده است

عَلَيْكُمْ بِمُواصَلَةِ أَبْحَاثِكُمْ.»

شما باید پژوهشهایتان را ادامه دهید

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرَقَةٍ وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ:

سپس آنها را به چهار گروه تقسیم کرد و به گروه اول گفت

«يَا طُلَّابُ، اِنْحَنُوا عَنْ صَيْدٍ وَ اِجْمَعُوا الْحَطَبَ.»

ای دانشجویان دنبال شکاری نگردید و هیزم جمع کنید

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي:

و به گروه دوم گفت

«يَا طَالِبَانِ، اِجْلِسَا بَعْضُ الْأَشْيَاءِ الضَّرُورِيَّةِ مِنَ السَّفِينَةِ.»

ای دانشجویان (دو دانشجویی مذکر)، برخی چیزهای ضروری را

از کشتی بیاورید

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّلَاثِ:

و به گروه سوم گفت

«يَا طَالِبَاتُ، اَطْبَحْنَ طَعَامًا.»

ای دانشجویان (مونث)، غذایی بپزید

وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَتَانِ، اِنْحَنَا عَنْ مَوَادِّ

و به گروه چهارم گفت: ای دانشجویان (دو دانشجویی مونث) دنبال

مواد غذایی نگردید.»



ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: «اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» مَضَى أُسْبُوعٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

سپس به همه گفت: صبر کنید قطعاً خدا با صبرکنندگان است. یک هفته گذشت روزی از روزها نزلِ مَطَرٍ شَدِيدٍ وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَأَحْتَرَقَتْ.

باران شدیدی بارید (نازل شد) و صاعقه‌ی شدیدی به کشتیشان برخورد کرد سپس آتش گرفت
قال الطَّالِبُ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِنَا.»

دانشجویان گفتند: هیچ امیدی به نجات ما نیست

فَقَرَأَ الْأُسْتَاذُ هَذِهِ الْآيَةَ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا﴾

پس استاد این آیه را خواند. ای کسانی که ایمان آوردید صبر کنید

حَزَنَ الطَّالِبُ وَقَالُوا: «فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا.»

دانشجویان غمگین شدند و گفتند: کشتیمان را از دست دادیم

و بَعْدَ آدَاءِ الصَّلَاةِ وَ الدَّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ بِحَتَّةٍ:

و بعد از انجام دادن نماز و دعا ناگهان یکی از آنها فریاد زد

«أَنْظُرُوا يَا زَمَلَانِي. أَنْظُرُنْ يَا زَمِيلَاتِي. تِلْكَ سَفِينَةٌ حَرَبِيَّةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا.»

نگاه کنید ای همکلاسی‌هایم. نگاه کنید ای همکلاسی‌هایم. آن یک کشتی جنگی است که به ما نزدیک می‌شود

السَّفِينَةُ الْحَرَبِيَّةُ افْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ.

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و از آن سربازانی پیاده شدند (فرود آمدند)

فَرِحَ الطَّالِبُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ:

دانشجویان خوشحال شدند و از سربازان پرسیدند

«كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟»

چگونه یافتید مکان ما را؟

أَجَابَ الْجُنُودُ: «رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ. فَأَتَيْنَا

سربازان جواب دادند: دودی را از دور دیدیم. سپس آمدیم

وَ شَاهَدْنَاكُمْ.»

و شمارا مشاهده کردیم



با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | |
|-----------------------|-----------------------|
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> |

۱. ذَهَبَ الطَّالِبُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لِتَهْيِئَةِ أبحاثٍ عَنِ النَّبَاتِ.

دانشجویان برای تهیه پژوهش‌هایی درمورد گیاهان به این سفر علمی رفتند

۲. مَا وَجَدَ الطَّالِبُ إِنْسَانًا غَيْرَهُمْ فِي الْحَزِيرَةِ.

دانشجویان هیچ انسانی به غیر از خودشان را در جزیره نیافتند

۳. عَشْرَةُ طُلَّابٍ كَانُوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

ده دانشجوی در سفر علمی بودند

۴. كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادئةً فِي الْبِدَايَةِ.

در ابتداء آب دریا آرام بود

۵. وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَةٍ.

این اتفاق یک سال پیش اتفاق افتاده است

فِعْلُ الْأَمْرِ (۲)

ای دختران انجام دهید

ای پسران انجام دهید

فِعْلُ الْأَمْرِ (۲) ← (یا بَنَاتُ، اِفْعَلْنَ) (یا اَوْلَادُ، اِفْعَلُوا)،

(یا وِلْدَانُ، اِفْعَلَا)، (یا بِنْتَانِ، اِفْعَلَا)

ای دو دختر انجام دهید

ای دو پسر انجام دهید



رَجَاءُ، اِنْزَلْنَ مِنَ الْحَافِلَةِ.

لطفاً، از اتوبوس پایین بیایید

رَجَاءُ، اِنْزَلُوا مِنَ الْحَافِلَةِ.

لطفاً، از اتوبوس پایین بیایید



اِنْحِثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

به دنبال جواب در کتاب بگردید





اِنْحِثَا عَنِ الْجَوَابِ فِي الْكِتَابِ.

به دنبال جواب در کتاب بگردید

بعد از حذف ت اگر اولین حرف ساکن باشد، به حرکت حرف دوم نگاه میکنیم، اگر باشد به اول فعل میگذاریم و یا اگر و باشد به اول فعل میگذاریم آخر فعل را نگاه میکنیم اگر داشت تبدیل به ساکن و یا اگر نداشت حذف می کنیم (بجز ن جمع مؤنث)

در این درس با فعل امر آشنا می شوید.

به فرق میان فعل مضارع و امر توجه کنید و ترجمه آنها را بیاموزید.

فعل امر		فعل مضارع		شخص
انجام میدهد.	افعلوا	انجام می دهد.	تَفَعَّلُونَ (جمع مذکر مخاطب)	
	افعلن		تَفَعَّلْنَ (جمع مؤنث مخاطب)	
	افعلوا		تَفَعَّلَانِ (مثنی مذکر مخاطب) (مثنی مؤنث مخاطب)	 

فرق «فعل مضارع» و «فعل امر» را بیابید.

فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع	فعل امر
تَرْحَمُونَ: رحم می کنید	ارحموا: رحم کنید	تَضَعْدَنَ: بالامی آید	اصعدن: بالا بیاید
تَنْزِلَانِ: پایین می آید	انزلوا: پایین بیاید	تَقْبَلَانِ: می پذیرد	اقبلوا: بپذیرد
تَشْكُرُونَ: تشکر می کنید	اشكروا: تشکر کنید	تَرْسُمَنَّ: نقاشی می کنید	ارسمن: نقاشی کنید

ترجمه کنید.

اَقْبِلِ الْكَلَامَ الْحَقِّ.	سخن حق را قبول کن	اُرْسُمِي صَوْرَةَ الشَّهِيدِ.	عکس شهید را رسم کن
اغسلا اَيديَكُمَا قَبْلَ الْغَدَاءِ.	قبل از ناهار دست هایتان را بشویید	اُسْجِدَا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.	برا خداوند، پروردگار جهانیان سجده کنید
اُدْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.	نعمت خدا را بر خود یاد کنید	اَهْرَبْنَ مِنْ جَلِيسَاتِ السَّوِّءِ.	از همنشینان بد دوری کنید

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

- چین **الصِّين**
- ادامه دادن **المُواصَلَة**
- آب **المَاعِی**
- دانشگاه **الْجَامِعَة**
- جوانان **الشَّبَاب**
- تیم **الفَرِیق**

١. بِلَادٌ كَبِيرَةٌ جَدًّا فِي شَرْقِ آسِیَا.
کشوری خیلی بزرگ در شرق آسیا
٢. إِدَامَة الْعَمَلِ وَ الْإِسْتِمْرَارُ عَلَيْهِ.
ادامه کار و پیوسته انجام دادن آن
٣. شَيْءٌ صَّرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ، نَشْرَبُهُ وَ لَا لَوْنَ لَهُ.
چیزی ضروری برای زندگی، آن را می نوشیم و هیچ رنگی ندارد
٤. يُدْرَسُ فِيهَا الْأَسَاتِذُ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَابُ.
اساتید در آن درس می دهند و دانشجویان از آن فارغ التحصیل می شوند
٥. الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَ لَيْسُوا أَطْفَالًا.
کسانی که به سن بلوغ رسیده اند و بچه نیستند
٦. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّیَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الرَّمَلَاءِ فِي الْعَمَلِ.
مجموعه ای از ورزشکاران یا گروهی از همکاران در کار

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يَا صَدِيقَاتِي، رَجَاءٌ، أُخْرَجَنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

ای دوستانم لطفاً، از کتابخانه خارج شوید

يَا أَصْدِقَائِي، رَجَاءٌ، أُخْرَجُوا مِنَ الصَّفِّ.

ای دوستانم لطفاً، از کلاس خارج شوید



يا صَدِيقَتَانِ، اُكْتُبَا جَوَابَ السُّؤَالَيْنِ.

ای دو دوست، جواب دو سوال را بنویسید

يا صَدِيقَانِ، اِحْمِلَا هَذِهِ الْمِنْصَدَةَ.

ای دو دوست، این میز را حمل کنید

بیرید

۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل های امر را معلوم کنید.

۱. ﴿رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ اَلْقَصَص: ۱۶

پروردگارا من بر خویشتم ستم کردم مرا ببخش

۲. قَالَ اللهُ لِمُوسَى وَ هَارُونَ: ﴿اِذْهَبَا اِلَى فِرْعَوْنَ﴾ طه: ۴۳

خداوند به موسی و هارون گفت: بروید به سوی فرعون

۳. ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ اَلْمُؤْمِنُونَ: ۱۱۸

پروردگارا! ببخش و رحمت کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی

۴. ﴿... اِعْمَلُوا صَالِحاً اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ اَلْمُؤْمِنُونَ: ۵۱

کارهای شایسته انجام دهید قطعا من به آنچه انجام می دهید آگاهم

۵. ﴿وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّا اِبْلِيسَ﴾ اَلْبَقَرَة: ۳۴

و زمانی که به فرشته ها گفتیم سجده کنید به آدم، پس سجده کردند به جز شیطان

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جمله‌های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

جمله عربی	ترجمه فارسی	چرا ترجمه یکی است؟
يا طَلَّابُ، اُنظُرُوا إِلَى نَزُولِ الْمَطَرِ. يا طالباتُ، اُنظُرْنَ إِلَى نَزُولِ الْمَطَرِ.	ای دانش آموزان، به فرود آمدن باران نگاه کنید.	در فارسی، مشتق جمع و مذکر و مؤنث برابر است
يا طالبانِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً. يا طالباتِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.	ای دو دانش آموز، لباس های مناسبی بپوشید.	

۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

- برنده پیوند خوششان
۱. قاطِعُ الرَّجِمِ ●
۲. اَلْمُواصَلَةُ ● ادامه دادن
۳. اَلْجَامِعَةُ ● دانشگاه
۴. اَلْحَطَبُ ● هیزم
۵. اَلدُّخَانُ ● دود
۶. اَلذَّهَابُ ● رفتن
۷. اَلْفَرْجُ ● گشایش
- مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ. مکانی برای آموزش عالی بعد از مدرسه
- هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لَزِيَارَةِ اقْرَبَائِهِ. کسی که برای زیارت نزدیکانش نمی رود
- اَلشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ. چیزی که از آتش بالا می رود
- اَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلاَحْتِرَاقِ. چوب هایی مناسب برای آتش زدن
- حَلُّ الصَّعَابِ وَ الْمَشْكَلَاتِ. حل سختی ها و مشکلات



گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. لَا عَمَلَ كَالْتَّحْقِيقِ.

هیچ کاری مانند تحقیق نیست

۲. أَلْعِلْمُ أَضْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَالْجَهْلُ أَضْلُ كُلِّ شَرٍّ.

دانایی، ریشه هر خوبی و نادانی ریشه هر بدی است

۳. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

دانش را جستجو کنید گرچه در چین باشد؛ زیرا خواستن دانش واجب است

۴. خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ^۲.

خیر دنیا و آخرت با دانش و شر دنیا و آخرت با نادانی است

۵. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ^۳.

عاقل، آن نیست که خوب را از بد تشخیص دهد. عاقل، کسی است که بهترین را از میان دو بد انتخاب کند



جِدَارُ الصَّيْنِ

۱- الصَّيْنِ: چین

۲- الْحَدِيثُ الثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ مِنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَبَاقِي الْأَحَادِيثِ مِنَ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۳- خَيْرُ الشَّرِّينِ: بهترین از میان دو شر



با استفاده از نرم افزار قرآن یا کتاب «الْمُعْجَمُ الْمُفَهَّرُ لِأَلْفَاظِ الْقُرْآنِ» سه آیه را که حروف اصلی فعل‌های آنها «س م ع»، «خ ر ج» و «ذ ه ب» است بیابید.



الْأَرْبَعِينَات

مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ

- مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ الْمَوْكِبِ؟ مَنْسُولُ مَوْكِبٍ چَه کسی است؟ - أَبُو قَاسِمٍ. ابو قاسم

- سَاعَدَكَ اللَّهُ! خسته نباشی

- حَيَّاكَ اللَّهُ! أَ أَنْتُمْ مِنْ إِيْرَانِ؟

زنده باشی آیا شما از ایران هستید؟

- كَمْ مَرَّةً حَضَرْتُمْ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ؟

چند بار در مسیر اربعین حاضر شدید

- نَعَمْ، نَحْنُ مِنْ إِيْرَانِ. بله ما ایرانی هستیم

- حَضَرْنَا لِلْمَرَّةِ الْأُولَى. برای اولین بار حاضر شدیم

- كَيْفَ يُمَكِّنُ الدَّهَابُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؟

چطور ممکنه به مسجد کوفه رفت

- إِرْكَبُوا تِلْكَ السَّيَّارَاتِ. به آن ماشین ها سوار شوید

- كَمْ الْمَسَافَةُ بَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ؟

فاصله بین مسجد کوفه و مسجد سهله چقدر است

- قَرِيبٌ مِنْ كِيلُومَتْرَيْنِ. نزدیک به دو کیلومتر

- أ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٍ فِي الطَّرِيقِ حَتَّى تَرْكَبُ؟

آیا در راه ماشین هایی وجود دارد که سوار شویم؟

- نَعَمْ؛ مَوْجُودَةٌ. بله وجود دارد

- شُكْرًا، زَاخَمْتُكَ.

تشکر، شما را به زحمت انداختیم

- لَا، لَيْسَتْ زَحْمَةً. بَلْ رَحْمَةً.

نه، زحمت نیست رحمته

- أ تَعْرِفُ أَهْمِيَّةَ زِيَارَةِ الْمَسْجِدَيْنِ؟

آیا اهمیت زیارت کردن دو مسجد را می دانی؟

- نَعَمْ؛ قَالَ الْإِمَامُ السَّجَّادُ عليه السلام: بله ، امام سجاد (ع) فرموده است

مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِ السَّهْلَةِ رَكَعَتَيْنِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ سَنَتَيْنِ.^۱

هر کس در مسجد سهله دو رکعت نماز بخواند خداوند دو سال به عمرش اضافه می کند

و قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام:

امام صادق (ع) فرموده است

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ.^۲

یک نماز در مسجد کوفه برابری می کند با هزار نماز در مساجد دیگر



۱- مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ، ج ۳، ص ۴۱۷، ح ۳۹۰۶

۲- وَسَائِلُ الشَّيْخَةِ، ج ۳، ص ۵۲۶